

صفحه	فهرست مطالب	عنوان
۱۵	.....	پیش‌گفتار.....
۲۱	.....	مقدمه.....
۲۳	.....	عزاداری محرم در قم!.....
۲۶	.....	یک هفته فرصت.....
۲۸	.....	پای امانتی!.....
۲۹	.....	جمله‌ی حضرت قاسم علیه السلام.....
۳۲	.....	ارادت خاص به حضرت زهرا سلام الله علیها.....
۳۴	.....	خدا لعنتت کند! چرا توهین می‌کنی؟.....
۳۵	.....	دعای امام زمان علیه السلام.....
۳۶	.....	تکه‌تکه.....
۳۷	.....	آمدند ما را بردند.....
۳۸	.....	شهادتین.....
۳۹	.....	یاد حضرت زهرا سلام الله علیها.....

- ۴۰ ..... ایام فاطمیه و راه بازگشت
- ۴۳ ..... یک راز
- ۴۴ ..... پاداش عاشقی!
- ۴۵ ..... صلواتی
- ۴۶ ..... شرمنده ی امام حسین نباشم!
- ۴۷ ..... فریاد یا زهرا!
- ۴۸ ..... نشانِ عاشق!
- ۴۹ ..... سقّا
- ۵۰ ..... نوحه سرایی
- ۵۲ ..... به پشت سرت نگاه کن
- ۵۳ ..... به ائمه ی معصومین متوسّل شوید
- ۵۴ ..... دست بی حس، نشان ارادت
- ۵۶ ..... نمای گنبد
- ۵۷ ..... پیشمرگِ شفا یافته!
- ۵۹ ..... با نخلستانهای مدینه و کوفه!
- ۶۱ ..... این پاکت مال شماست!
- ۶۳ ..... پابوسی پیش از هر کاری!
- ۶۴ ..... فراخوان توأم با ارادت!
- ۶۶ ..... هدیه
- ۶۷ ..... پای برهنه در میان عزاداران
- ۶۹ ..... متوسّل با معرفت
- ۷۳ ..... به سوی عرش
- ۷۷ ..... به چه کسی تأسی کرده ای؟

- ۷۸ ..... نقش دعای امام زمان
- ۸۰ ..... امشب شب عاشورا است
- ۸۱ ..... نمی توانم بگویم!
- ۸۲ ..... دو زائر
- ۸۳ ..... مثل آقا ابا الفضل
- ۸۵ ..... شمیم معطرِ دوست
- ۸۷ ..... راه کربلا
- ۸۸ ..... شوق پرواز
- ۸۹ ..... پیراهن عاشورایی
- ۹۱ ..... شیفته‌ی بی‌قرار
- ۹۲ ..... همیشه سر زبانش بود
- ۹۳ ..... به قیمت اعدامش، سینه زنی پرشوری راه انداخت
- ۹۵ ..... در خواب هم به دنبال حسینیه بود!
- ۹۶ ..... اینجا پایگاه بنید!
- ۹۷ ..... آخرین دست نوشته!
- ۹۸ ..... حرف دل
- ۹۹ ..... فردای قیامت
- ۱۰۰ ..... به عشق علی اصغر علیه السلام
- ۱۰۲ ..... به نیت چهارده معصوم!
- ۱۰۴ ..... من خجالت می‌کشم!
- ۱۰۵ ..... اعلام رضایت حضرت!
- ۱۰۶ ..... پیوسته با مردم
- ۱۰۷ ..... این همه سوز دل!!

- ۱۰۸..... امام مرا طلبیده!
- ۱۰۹..... گریستن سوزناک
- ۱۱۰..... ارادتِ خالصانه
- ۱۱۱..... دل سپرده!
- ۱۱۳..... عزاداری
- ۱۱۴..... سر در ره دوست
- ۱۱۵..... توسل به ائمه علیهم السلام
- ۱۱۶..... رفته بودم سینه زنی
- ۱۱۷..... اوّل زیارت، مثل همیشه
- ۱۱۸..... علّتِ خرسندی!
- ۱۱۹..... آنهم فدای حسین علیه السلام
- ۱۲۰..... عیسی صلواتی
- ۱۲۲..... توسّل به ائمه علیهم السلام
- ۱۲۳..... منتظر دیدار
- ۱۲۴..... این خط را به حضرت سپردم!
- ۱۲۶..... با تمام وجود حضرت را صدا زدیم!
- ۱۳۱..... پیوند گروه تخریب با دعای توسّل!
- ۱۳۲..... امیدم به ائمه (علیهم السلام) بود
- ۱۳۴..... زیارت عاشورا را بگذارید در جیب او!
- ۱۳۵..... در محضر امام
- ۱۳۷..... رسم عاشقی
- ۱۳۸..... دو بزرگوار
- ۱۴۰..... افتخار

۱۴۱	..... نشانِ دل‌بستگی
۱۴۳	..... روضه
۱۴۵	..... اشک جاری!
۱۴۶	..... هنگامی که خسته شدید
۱۴۷	..... السلام علیک
۱۴۸	..... یا حسین، یا حسین
۱۴۹	..... بهترین هدیه برای گردان
۱۵۰	..... زیانزد همه
۱۵۲	..... آن نور مقدس
۱۵۴	..... زمزمه‌ی یا حسین
۱۵۵	..... وفای به عهد
۱۵۸	..... زائر هر پنج‌شنبه
۱۵۹	..... سه بار گفت: یا حسین
۱۶۰	..... مراسم میلاد
۱۶۱	..... با خون خود نوشت
۱۶۲	..... نجوای سوختن
۱۶۳	..... روضه‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)
۱۶۴	..... عزاداری عاشقانه
۱۶۶	..... قبرگمنام
۱۶۷	..... اشک حسینی
۱۶۸	..... امشب باید توبه کنم
۱۶۹	..... اولین نفر
۱۷۰	..... مصیبت مادر

- ۱۷۱ ..... از چشمانش پیداست
- ۱۷۲ ..... نام چهار در
- ۱۷۴ ..... به مراد خود رسید
- ۱۷۶ ..... بهتر از دست
- ۱۷۸ ..... از فاطمه (سلام الله علیها) بگو
- ۱۷۹ ..... سلام
- ۱۸۰ ..... ترس، من اینجا هستم
- ۱۸۳ ..... حضرت رقیه (سلام الله علیها)
- ۱۸۷ ..... بهانه‌ی حسین (علیه السلام)
- ۱۸۸ ..... تشرف
- ۱۸۹ ..... آخرین کلام
- ۱۹۰ ..... دیدار
- ۱۹۱ ..... با لبان تشنه
- ۱۹۳ ..... تن بی سر
- ۱۹۴ ..... حداقل هدیه
- ۱۹۵ ..... آنگونه که می‌خواست شهید شد!
- ۱۹۶ ..... من می‌خواستم پیام
- ۱۹۷ ..... کفن
- ۱۹۸ ..... خون و پیام
- ۱۹۹ ..... تشرف مخفیانه
- ۲۰۰ ..... تصور عاشورا
- ۲۰۱ ..... وصلت
- ۲۰۲ ..... شوق زیارت

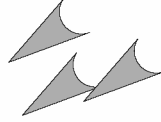
۲۰۴	..... ارادتِ خاص
۲۰۵	..... بوی محبت، بوی عشق
۲۱۱	..... شفیع
۲۱۴	..... فقط یک یا زهرا (سلام الله علیها)
۲۳۸	..... نام مبارک خانم (سلام الله علیها)
۲۴۰	..... بوی کربلا
۲۴۷	..... داستان امام زمان علیه السلام
۲۴۹	..... شفا
۲۵۱	..... عشق حسین (علیه السلام)
۲۵۳	..... رسول در آسمان
۲۵۴	..... سلام بر مهدی
۲۵۵	..... ویژگی بارز
۲۵۷	..... آتش خیمه ها
۲۵۹	..... قربان نعش بی سرت
۲۶۰	..... همنام علی (علیه السلام)
۲۶۱	..... اعتراف به عشق
۲۶۲	..... رو به دیار عاشقان
۲۶۳	..... طواف شهید
۲۶۴	..... زیارت با اخلاص
۲۶۵	..... زیارت در هور
۲۶۶	..... الگوگیری از ائمه (علیهم السلام)
۲۶۹	..... ادای احترام
۲۷۱	..... همچون شب عاشورا

۲۷۶	ایثار و عشق
۲۷۸	عاشق امام رضا (علیه السلام)
۲۷۹	نوحه
۲۸۰	شهیده‌ی مظلوم
۲۸۲	نشانه های ارادت
۲۸۴	برای سلامتی و فرج آقا
۲۸۶	سلام بر حسین
۲۸۷	به یاد سید الشهداء (علیه السلام)
۲۸۸	با لب تشنه
۲۸۹	مهر حسین
۲۹۰	همچون عباس (علیه السلام)
۲۹۱	اجازه
۲۹۲	نه سر دارم نه دست
۲۹۳	تشنه لبان
۲۹۴	مثل علی (علیه السلام)
۲۹۶	روایت عشق
۲۹۷	بی دست و پا می آیم
۲۹۸	عبدالمحمد
۲۹۹	مداح اهل بیت (علیه السلام)
۳۰۰	زائر کربلا
۳۰۱	زیارت دلچسب
۳۰۳	جواب زینب (سلام الله علیها)
۳۰۴	یا علی علیه السلام



۳۰۵	نگهبان آقا
۳۰۶	بهترین استراحت روحی
۳۰۸	اسم من حسین
۳۱۰	برای من گریه نکن
۳۱۱	همیشه در کربلا
۳۱۴	راز آن شب
۳۲۳	منابع





### پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ.**

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری

دهید. (نهج‌البلاغه/نامه ۴)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از

پا گذاشتن بر روی کفش طلاب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاة الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد

برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنة» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی‌الله‌علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مرییان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان- به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی- کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند. سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف‌چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد.

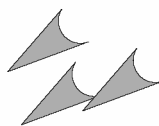
سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود فریضه دانستند و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند. و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه

خوردند، درّ از صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع  
فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند.  
و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان.  
در پایان امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حقتعالی و  
شهدای عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و  
شفاعت مردان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام  
بلند آوازه‌شان در این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاءالله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت







### مقدمه

عشق تا وقتی نطفه است، می شود پنهان کرد، اما وقتی شعله ور شد، دیگر پنهان کردنش ممکن نیست. زبانه می کشد و تمام وجود عاشق را احاطه می کند. در این زمان همه ی گفتار، رفتار و حالات معشوق در عاشق تجلی می کند.

یادتان است تمام وجود رزمندگان اسلام ندایشان اهل بیت بود؟ علاوه بر اینکه سعی داشتند سیره اشان اهل بیته باشد، سیمایشان را نیز اهل بیته می کردند. پیشانی بندهایی که می بستند، شعارهایی که بر روی کلاهخود، روی جیب و پشت پیراهن، بازوبندها و پرچمها می نوشتند، همه شعله های همان عشقی بود که از درونشان زبانه می کشید.

- السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین

- یا زهرا

- می روم تا انتقام سیلی زهرا بگیرم

- اللهم عجل لولیک الفرج

- و...

روشنفکران خالی از عشق، اسم تجلی عشق را می گذارند شعار".

آنها از یک جهت راست می‌گویند. اگر کسی به طور تصنعی تابلوی اعلانات معشوق شود، در حالی که دلش خانه‌ی معشوق نباشد؛ این تابلو شعاری جلوه خواهد کرد. اما آتشی که از درون زبانه بکشد چه؟ آیا با حساب و کتاب روشنفکری می‌شود جلوش را گرفت؟

اثبات عشق درونی شهیدان عاشورایی دفاع مقدس، بی‌نیاز از برهان است. "آفتاب آمد دلیل آفتاب". آنان با عمل خویش ثابت کردند؛ در عشق به اهل بیت چنان صادق و شیدایی‌اند که سرمایه‌ی شیرین جان را بهای عشق شان قرار می‌دهند.

با وجود این، خاکستر دنیا و دنیازدگی روی خاطره‌ها و آن جلوه‌ها را در دلها می‌پوشاند و زنگار تجمل‌گرایی و زندگی مادی، محل تجلی عشق را مکدر می‌کند. باید این یادها، زنده بماند و آن چنان که مقتدای عاشقان، رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمود: «زنده نگهداشتن یاد و راه شهیدان کمتر از شهادت نیست»، دلها باید جلوه‌ی آن همه عاشقی و ارادت به اهل بیت علیهم السلام باقی بمانند. عشق و ارادتی که با عمل به سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام، همراه بود و همه‌ی وجود شعور بود و شور عارفانه و آگاهانه. آنها عقل را فرا راه خود قرار دادند تا به معشوق راه یابند، آن‌گاه که راه یافتند، این عشق بود که تمام وجودشان را به حرکت درمی‌آورد. عقل تا منزل انتخاب، کارساز است و از آن پس، عشق چاره‌ساز است و شهیدان تجربه‌ی این حقیقت را به دلها بازتابانیدند. جرعه نوشی می‌کنیم از باده‌ای که شهیدان نوشیدند و سیراب می‌کنیم جان عطشناک خود را با این جرعه‌ها، باشد که عمر زوال‌پذیر خود را به ابدیت زیبا و پُر شکوه و بی‌بدیل تبدیل کنیم. ان شاء الله